

إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)

انتشارات انصار امام مهدي (ع)

رحلة موسى (ع) إلى مجمع البحرين

سفر موسى (ع) به مجمع البحرين

سيد احمد الحسن

فهرست

الإهداء

تقديم

تقديم

پیش گفتار

رحلة موسى (ع) إلى مجمع البحرين

سفر موسى (ع) به مجمع البحرين

شخصيات الرحلة

شخصیت های سفر

تنبيهان

دو نکته

(وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا)

تنبيه

(فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا... فِي الْبَحْرِ عَجَبًا)

النسيان:

فراموشی

(فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا... عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا):

(فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا... رُشْدًا):

(قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ ... ذِكْرًا)

ماذا أراد العبد الصالح أن يعلم موسى (ع)؟

عبد صالح چه چیزی را می خواست به موسی (ع) بیاموزد؟

(فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ... صَبْرًا)

مَنْ هُوَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ؟

عبد صالح کیست؟

موسی (ع) نبی من أولی العزم من الرسل ومع هذا یفشل؟!؟!!

موسی (ع) پیامبری از پیامبران اولوالعزم است و با این حال شکست می خورد؟!!

أین عصمة موسی (ع) فی هذا اللقاء؟

در این ملاقات، عصمت موسی (ع) چه می شود؟

نصیحة:

اندرز

الملحق (۱)

پیوست ۱

الملحق (۲)

پیوست ۲

الملحق (۳)

پیوست ۳

الملحق (۴)

پیوست ۴

الملحق (٥)

پیوست ٥

الإهداء

إلى من أحبوا الله
ورحلوإ إلى من أحبوا

المذنب المقصر

أحمد الحسن

رجب / ١٤٣٠ هـ ق

تقديم

به کسانی که خدا را دوست دارند
و به سوی کسی رفتند که دوستشان دارند

گناه کار تقصیر کار

احمد الحسن

رجب ۱۴۳۰ هـ.ق. [1]

تقديم
پيش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله مالك الملك، مجري الفلك مسخر الرياح، فالق الإصباح، ديان الدين، رب العالمين، الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الأرض وعمارها، وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها.

حمد و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است؛ کسی که مالک سلطنت، روان کننده‌ی کشتی (وجود)، مُسَخِّر کننده‌ی بادهای، شکافنده‌ی سپیده‌ی صبح، حکم‌فرمای روز جزا و پروردگار جهانیان است. سپاس مخصوص خدایی است که از ترس و خشیت او، آسمان و ساکنانش می‌غرند و زمین و آبادکنندگان می‌لرزند و دریاها و هر آن که در اعماقش غوطه‌ور است موج می‌زنند.

اللهم صل على محمد وآل محمد، الفلك الجارية في اللجج الغامرة، يأمن من ركبها، ويغرق من تركها، المتقدم لهم مارق، والمتأخر عنهم زاهق، واللازم لهم لاحق.

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ کشتی روان در اقیانوس‌های ژرف؛ هر که بر آن سوار شود، ایمنی یابد و هر که آن را رها کند غرق شود. کسی که از آنها پیش افتد، از دین خارج است و کسی که از آنها عقب بماند، نابود است؛ و همراه با آنها، ملحق به است.

الحمد لله الذي نصب لنا قادة وأدلاء يسلكون بنا الطريق الصحيحة والمحجة البيضاء لبلوغ الغاية التي خلقنا الله عز وجل من أجلها، قال

تعالی: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) [2]، أي ليعلمون كما ورد تفسیره عن آل محمد .

سپاس خدایی را که برای ما راهبران و راهنمایانی برگماشت تا با ما را به راه صحیح و روشن رهنمون سازند و به غایتی که خدای عزوجل ما را برای نیل به آن آفریده است، نایل شویم. خدای متعال می‌فرماید: «(جن و انس را جز برای پرستش خودم، نیافریدم)» [3] ، یعنی تا «بدانند»؛ همان‌طور که از آل محمد (ع) در تفسیر این مطلب نقل شده است.

وكان من الطافه تعالى أن جعل لنا قانوناً نعرف به حجه ونميزهم عن المدعين المزيفين، والقانون المشار إليه يتشكل من حلقات ثلاثة؛ أولها الوصية، وثانيها العلم، وثالثها الدعوة إلى حاكمية الله تعالى.

عن أبي الجارود، قال: قلت لأبي جعفر (ع): إذا مضى الإمام القائم من أهل البيت، فبأي شيء يعرف من يجيء بعده؟ قال: (بالهدى والإطراق، وإقرار آل محمد له بالفضل، ولا يسأل عن شيء بين صدفها إلا أجاب) [4].

از جمله الطاف الهی آن است که خداوند برای ما قانون و قاعده‌ای قرار داده است که با آن حجت‌های الهی را تشخیص دهیم و آنها را از مدعیان دروغین، بازشناسیم؛ قانون مذکور از سه بخش مرتبط با هم تشکیل شده است که اولین آنها وصیت، و دومی‌شان علم و سومی، دعوت به حاکمیت خداوند متعال است.

ابی‌جارود می‌گوید به امام ابوجعفر محمد باقر (ع) عرض کردم: اگر امام قائم از اهل بیت درگذشت، کسی که بعد از او می‌آید با چه نشانه‌ای شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: «با هدایت و آرامش و وقار، و اقرار آل محمد (ع) به فضل او، و چیزی از او سوال نمی‌شود مگر این که پاسخش را می‌دهد» [5].

وورد عن الإمام الصادق(ع): (إن ادعى مدع فاسألوه عن العظام التي يجيب فيها مثله)[6].

از امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت فرمود: «چنانچه کسی مدعی شد، از او درباره‌ی مسایل بزرگی که کسی همانند امام پاسخ آنها را می‌دهد، سوال کنید»[7].

وعن الصادق (ع): (... إن الله لا يجعل حجة في أرضه يُسأل عن شيء فيقول لا أدري)[8].

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «... بی‌شک، خداوند حجتی که چیزی از او پرسیده شود و بگوید نمی‌دانم، در زمینش قرار نمی‌دهد»[9].

وعن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله (ع) إنه قال للزنديق الذي سأله من أين أثبت الأنبياء والرسل؟ قال: (إنّا لما أثبتنا أن لنا خالقاً صانعاً متعالياً ... إلى قوله (ع): لكيلا تخلو أرض الله من حجة يكون معه علم يدل على صدق مقالته وجواز عدالته)[10].

هشام بن حکم می‌گوید: امام صادق(ع) به زندقی که پرسید: پیغمبران و رسولان را از چه راه اثبات می‌کنی؟ فرمود: «چون ثابت کردیم که ما آفریننده و صانعی داریم که از ما و تمام مخلوق برتر است از... تا آنجا که حضرت فرمود: «تا زمین خدا از حجتی که علمی داشته باشد تا بر صدق گفتار و جواز عدالتش دلالت نماید، خالی نماند»[11].

وعن الحارث بن المغيرة النضري، قال: قلنا لأبي عبد الله (ع): بما يعرف صاحب هذا الأمر؟ قال: (بالسكينة والوقار والعلم والوصية)[12].

حارث بن مغیره ی نصری می گوید: به امام ابو عبدالله جعفر صادق (ع) عرض کردیم: صاحب این امر به چه چیزی شناخته می شود؟ فرمود: «با آرامش، وقار، علم و وصیت» [13].

والسید أحمد الحسن وصی ورسول الإمام المهدي (ع) واليماني الموعود قد ذكرته وصية رسول الله التي نقلها الشيخ الطوسي في غيبته وغيره من علماء الشيعة، وذكرته الكثير من الروايات الواردة عن أهل البيت ، فأمره أبين من الشمس في رابعة النهار ، ولكن القوم وللأسف الشديد قد ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون (كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) [14].

سید احمد الحسن (ع) وصی و فرستاده ی حضرت مهدی (ع) و همان یمانی موعودی است که در وصیت پیامبر خدا (ص) به او اشاره شده است. شیخ طوسی در کتاب غیبتش و دیگر علمای شیعه این وصیت را نقل کرده اند. همچنین در بسیاری از روایات وارد شده از اهل بیت (ع) نیز نامی از وی به میان آمده است؛ امر ایشان مثل روز روشن است ولی با کمال تأسف، آنچه مردم مرتکب شده اند، زنگار بر دلهايشان بسته است: «حقاً که کارهایی که کرده بودند بر دلهاشان مسلط شده است» [15].

وها هو سلام الله عليه يرفع كل حين علماً هادياً من علمه يثبت فيه لكل ذي قلب سليم أنه يغترف من البحر الزاخر والعين الصافية، فالكتاب الذي بين أيدينا - كما هو شأن كل كتبه الأخرى - حجة تامة بالغة تكشف بوضوح عن كون السيد أحمد الحسن (ع) من الراسخين في العلم الذين اصطفاهم الله وآتاهم الكتاب والحكمة.

ایشان - که سلام خدا بر او باد - هر لحظه پرچمی هدایت بخش از علم خویش را به اهتزاز درمی آورد که به وسیله ی آن، بر هر انسان دارای قلب سلیم ثابت می شود که ایشان از دریایی بس پرآب و از چشمه ای بس پاکیزه و زلال آب

برداشته است. کتابی که پیش روی ما است - همانند تمام دیگر کتاب‌های ایشان - حجت کامل و رسایی است که به وضوح نشان می‌دهد سید احمد الحسن(ع) جزو کسانی است که قدم در دانش، استوار دارند؛ کسانی که خداوند آن‌ها را برگزیده و به آنها کتاب و حکمت عطا فرموده است.

فالكتاب جوهرة من جواهر آل محمد تجلي سرّاً قرآنياً اضطربت فيه عقول العلماء، وشرقت فيه كلماتهم وغربت، بل وتحملت كل عنت، دون أن تظفر بحقيقة السر الذي أبي الله إلا أن يجعل مفتاحه بيد حجه على الخلق.

این کتاب، گوهری از جواهرات آل محمد(ع) است که در آن از یک رمز و راز قرآنی پرده برداشته می‌شود؛ سرّی که عقل‌های علما و اندیشمندان در آن متحیر، کلمات‌شان پیچیده و نامفهوم و حتی گرفتار رنج و سختی بسیار شده‌اند بدون این که به حقیقت پنهانی که خداوند کلیدهایش را در دستان حجت‌های خودش بر مخلوقاتش قرار داده است، دست یازند!

فشخصية العبد الصالح، أو العالم، أو الخضر، أو مجمع البحرين، بقيت لغزاً مستعصياً على أفهام علماء المسلمين، وكان حرياً بهم ترك الخوض فيها لما لم يكونوا من الذين خوطبوا بالكتاب، ولكنهم، وبدوافع شتى، أبوا إلا الخوض فيها فالحقوا بهذه الشخصية العظيمة الكثير من الظلم والحييف، ولم يكتفوا بهذا بل زادوا الطين بلة، فكانت كلماتهم حجاباً ثقیلاً أخفى حقيقة القصة القرآنية وشخصها، ومجرياتها، وحكمتها فقد انساقوا وراء ما اجترحته عقولهم من افتراضات، وتخرصات تتعلق بحقيقة العصمة وعلم الأنبياء فكانوا كحاطب ليل لا يدري أين تقع فأسه.

شخصیت عبد صالح، عالم، خضر، یا مجمع البحرين و این که وی کیست، رمزی دشوار و ناگشوده در ذهن علمای مسلمین پنهان مانده است. سزاوار آن

بود که ایشان از غور در این وادی کناره می‌گرفتند زیرا آنها مخاطبان قرآن نیستند؛ ولی به هر حال این عده با انگیزه‌های مختلف، متعرض این موضوع شدند و به این شخصیت عظیم، ستم فراوانی روا داشتند. آنها به همین مقدار اکتفا نکردند بلکه مساله را پیچیده‌تر نمودند. جملات و عبارات‌های آنها پرده‌ی سنگینی است که واقعیت این قصه‌ی قرآنی، شخصیت‌ها، بسترها و حکمت آن را پوشانده است. آنها حدسیاتی را که عقلهای‌شان تصور کرده است دنبال نمودند و به دنبال عبارات بی‌واقعی که به حقیقت عصمت و علم انبیا(ع) طعنه می‌زند روانه شدند، و در این راه هر چه برزبان‌شان آمد را بی‌محابا جاری ساختند بدون این که عاقبتی برای آن متصور باشند؛ مانند هیزم‌شکنی که در تاریکی شب، نمی‌داند تبرش را به کجا می‌زند....

ولعل القارئ المنصف يرى بوضوح أن بيان السيد أحمد الحسن (ع) من القوة والجلاء بحيث تستريح له النفس وتطمئن تماماً ، فالاستدلالات التي يسوقها يخضع لها العقل والقلب على حد سواء، يستوي في بلوغ هذه النتيجة الناس بمستوياتهم المتفاوتة.

خواننده‌ی منصف آشکارا می‌بیند که بیان سید احمد الحسن(ع) از چنان قدرت و وضوح برخوردار است که دل آدمی به طور کامل با آن آرام می‌گیرد و اطمینان می‌یابد. عقل و دل، هر دو با هم و به یک میزان، در برابر استدلال‌هایی که ایشان ارائه می‌فرماید، سر تعظیم فرود می‌آورد؛ نتیجه‌ای که برای مردم مختلف در سطوح مختلف، یکسان است.

وعلى الرغم من عمق الاستدلال إلا أن العبارات التي تصوره سهلة وبسيطة، ولكنها البساطة والسهولة المعجزة، التي تقع ضمن إطار ما يصطلحون عليه بـ (السهل الممتع)، فليس في عبارات السيد أحمد الحسن (ع) ذلك التعقيد المنفر الذي يشيع في كلمات غيره ممن يسميهم الناس (مفسرين)، فلا مقدمات لغوية طويلة عريضة، ولا سفسطات منطقية أو فلسفية تشي بجهل صاحبها أكثر من أي شيء آخر، فكلمات

السيد و عباراته تصيب هدفها مباشرة ومن أقرب طريق، ويفهمها الناس بمختلف مستوياتهم الثقافية، وفيها علاوة على ما مر خاصة متفردة لا تكاد تجد مثيلاً لها في أساليب البلغاء، تلك هي القوة الإيحائية العجيبة التي يشعر القارئ من خلالها أن كلام الكاتب ينبع مباشرة من قلبه، ويشعر أنه يجالسه ويحدثه وجهاً لوجه، وإنه محيط بكل التساؤلات التي يمكن أن تثار في ذهنه، وإنه يجيب عن هذه التساؤلات حتى قبل أن تتقدح في ذهن القارئ، وبذلك يقود القارئ بيسر وسهولة وسعادة حتى يبلغ به الهدف.

با وجود عمق استدلالها، عبارات و جملات را ساده و سهل می‌یابیم، در حالی که این سهولت و سادگی، خود معجزه‌ای است که در چهارچوب آنچه اصطلاحاً «سهل ممتنع» (آسان سخت) نامیده می‌شود، جای می‌گیرد. عبارات‌های سید احمد الحسن (ع) فارغ از آن پیچیدگی‌های مشمنزکننده‌ای است که در کلمات دیگر کسانی که مردم آنها را «مفسر» نام می‌نهند، فراوان یافت می‌شود. در عبارات‌های ایشان نه از مقدمات و اثرگانی عریض و طویل خبری هست و نه از سفسطه‌های منطقی یا فلسفی، که بیش از هر چیز به نادانی گوینده‌اش اشاره دارند. کلمات و عبارات‌های سید (ع)، به طور مستقیم و با کوتاه‌ترین مسیر، به هدف می‌زنند به گونه‌ای که مردمی در سطوح مختلفی فرهنگی می‌توانند آنها را بفهمند و دریابند. به علاوه، این عبارات‌ها و کلمات، دارای ویژگی منحصر به فردی است که نمی‌توان نظیر آن را در چهارچوب‌های بلیغان و فصیحان یافت که همان قدرت نفوذ عجیبی است که خواننده بر اثر آن احساس می‌کند که این عبارات‌ها به طور مستقیم از دل و جان نویسنده می‌جوشد و حس می‌کند که گویی، وی با او همنشین شده است و چهره به چهره با او در سخن می‌باشد؛ نویسنده، به تمام پرسش‌هایی که ممکن است به ذهن فرد خطور کند آگاه است و احاطه دارد و او این پرسش‌ها را حتی پیش از آن که در ذهن خواننده بروز و ظهور نماید، پاسخ می‌گوید. به این ترتیب ایشان (ع)، خواننده را به نرمی و آسانی و با خرسندی راهبری می‌کند تا او را به سر منزل مقصود برساند.

والحق إنني لأعجب كثيراً ممن يتقولون بأن السيد أحمد الحسن يفتقد ما يملكه أبأوه الطاهرون من بلاغة وفصاحة منقطة النظير، ولا أكاد أجد

سبباً لتقولاتهم غير أنهم يجهلون حقيقة البلاغة، وإنهم قد أعمى قلوبهم الحسد والضغينة فلم يعودوا يروا الشمس المشرقة.

به واقع بسیار در تعجبم از کسانی که می‌گویند سید احمد الحسن، از فصاحت و بلاغت بی‌نظیر پدران پاکش بی‌بهره است. من دلیلی بر این تهمت‌زنی آنها نیافته‌ام جز این که آنها با حقیقت بلاغت نا‌آشنایند و حسد و کینه، دل‌هایشان را کور کرده است و در نتیجه از پرتو تابان خورشید برکنارند.

إذن ها هي آية علمية جديدة يضعها السيد أحمد الحسن (ع) أمامكم، وليس عليكم لتروا فيها أنها آية علمية بكل ما في الكلمة من معنى سوى أن تكفوا عن النظر إليها بعين ساخطة تبیت حكماً مسبقاً بالرفض. عليكم أن تفتحوا مسامع قلوبكم وتفضوا عنها كل الإثارات التضليلية الحاقدة التي يروج لها فقهاء آخر الزمان، وعندها ستكتشفون كم هي ساطعة وباهرة شمس السيد أحمد الحسن (ع)، (فإن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ) [16].

اکنون، این دلیل علمی دیگری است که سید احمد الحسن(ع) آن را پیش روی شما قرار می‌دهد. بر شما جز این نیست که در آن نیک بنگرید تا دلایل علمی‌ای که در معانی تک تک کلماتش نهفته است را دریابید نه با نگاهی بغض‌آلود که از قبل حکم به رد آن صادر نموده است! بر شما است که گوش دل باز کنید و قلب‌هایتان را از تمام توطئه‌های عوام‌فریبانه و جوسازی‌های کینه‌توزانه‌ای که فقهای آخرالزمان در مورد آن به راه انداخته‌اند، پاک نمایید؛ آن هنگام خواهید دید که خورشید سید احمد الحسن(ع) چه‌سان تابناک و پرفروغ است: «(پس اگر پشت کردید، من از شما هیچ پاداشی نخواسته‌ام، که پاداش من با خداوند است و من مأمور شده‌ام که از تسلیم‌شدگان باشم)» [17].

والحمد لله وحده وحده وحده.

الأستاذ رزاق الأنصاري

أنصار الله والإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)

استاد رزاق الانصاری

انصار خدا و امام مهدي (ع) (كه خداوند در زمین تمكينش دهد)

- [1] - تیرماه ۱۳۸۸ هـ.ش. (مترجم).
- [2] - الذاریات: 56.
- [3] - ذاریات: 56.
- [4] - الإمامة والتبصرة: ص 137.
- [5] - الإمامة و التبصرة: ص 137.
- [6] - غيبة النعماني: ص 178.
- [7] - غيبت نعمانی: ص 178.
- [8] - الكافي: ج 1 ص 227.
- [9] - كافي: ج 1 ص 227.
- [10] - الكافي: ج 1 ص 189.
- [11] - كافي: ج 1 ص 189.
- [12] - بحار الأنوار: ج 52 ص 138.
- [13] - بحار الانوار: ج 52 ص 138.
- [14] - المطففين: 14.
- [15] - مطففين: 14.
- [16] - يونس: 72.
- [17] - يونس: 72.